

تاریخ فرهنگی قبیله لعنت (۷)

فراماسونری در محدوده حیات سیاسی، اجتماعی ملت‌ها

اسماعیل شفیعی سروستانی

سرشناسه: شفيعی سروساني، اسماعيل، ۱۳۳۷ -
 عنوان و نام پديدآور: تاريخ فرهنگي قبيله لعنت / اسماعيل شفيعی سروساني.
 مشخصات نشر: تهران: هلال، ۱۳۹۴
 مشخصات ظاهري: ج.
 شابک: ۰۰-۸۳-۶۹۳۸-۶۶۴-۹۷۸ دوره: ۷۰۰۰۰ ريال: ج. ۷-۸۴-۶۹۳۸-۶۶۴-۹۷۸؛
 ۸۰۰۰۰ ريال: ج. ۲: ۴-۸۵-۶۹۳۸-۶۶۴-۹۷۸؛ ۸۰۰۰۰ ريال: ج. ۳-۸۹-۶۹۳۸-۶۶۴-۹۷۸؛
 ۲: ج. ۴: ۸-۹۰-۶۹۳۸-۶۶۴-۹۷۸؛ ج. ۵: ۲-۹۲-۶۹۳۸-۶۶۴-۹۷۸؛ ج. ۶: ۷-۹۷-۶۹۳۸-۶۶۴-۹۷۸؛
 ۹۷۸-۹۶۴-۶۹۳۸-۹۹-۱: ج. ۷: ۱-۹۹-۶۹۳۸-۶۶۴-۹۷۸
 وضعيت فهرست نويسي: فيپا
 يادداشت: ج. ۷. (چاپ اول: ۱۳۹۷) (فيپا).
 يادداشت: کتابنامه
 يادداشت: واژه‌نامه
 مندرجات: ج. ۱- بن‌مايه رويگرداني از خدا- ج. ۲- کاهنان معبد جادو- ج. ۳- بني اسرائيل و
 پيامبري- ج. ۴- اليگاشي حاخامي، تلمود و کابالا- ج. ۵- ادوار رفته بر مسيحيت- ج. ۶- شواليه‌هاي
 معبد بنينيان ها- راماسونري- ج. ۷- فراماسونري در صحنه حيات سياسي، اجتماعي ملت‌ها
 موضوع: دوتريان
 موضوع: مير و ميراث
 موضوع: تاريخ
 موضوع: اسلام- تاريخ
 موضوع: شيطان- جنبه‌هاي قانني
 رده بندي کنگره: ۲۲۲/۲ BP
 رده بندي ديوي: ۹۷/۴۴
 شماره کتابشناسي ملي: ۶، ۱۸۹۵

فراماسونري در صحنه حيات سياسي، اجتماعي ملت‌ها (تاريخ فرهنگي قبيله لعنت ۷)

نويسنده: اسماعيل شفيعی سروساني

ناشر: هلال

ويرايش: واحد پژوهش موعود (عج)

شابک دوره: ۰-۸۳-۶۹۳۸-۶۶۴-۹۷۸

شابک: ۱-۹۹-۶۹۳۸-۶۶۴-۹۷۸

شمارگان: ۵۰۰

نوبت چاپ اول، ۱۳۹۷

قيمت: ۱۸۰۰۰ ريال

نشاني ناشر: صندوق پستي ۱۴۱۵۵-۸۳۴۷

تلفن: ۸۸۹۴۱۲۳۵-۸۸۹۴۱۳۳۷-۸۸۹۴۱۴۰۲

فروشگاه اينترنتي: www.yaranshop.ir

فهرست

۷		مقدمه
۱۷		مقدمه جلد هفتم
۱۹		اشراف سیاه
۲۰		اشرافیت؛ حاکمیت نخبگان ایرانی در جهان امروز
۲۷		شوالیه‌گری
۳۳		رفورماسیون سیاسی انگلیس
۴۱		مجامع مخفی
۶۵		مثالت قدرت
۷۵		حاکمیت نخبگان
۸۲		نخبگان کیانند
۱۹		بنیادها (تربیت رهبران اصلاح طلب)
۱۱۱		شورای روابط خارجی CFR
۱۲۱		آبر حکومت جهانی
۱۳۳		کمیسیون سه جانبه (سه جانبه خواهی)
۱۴۷		بیلدربرگ

- ۱۴۷.....بیلدربرگ چیست؟
- ۱۵۹.....کمیت ۳۰۰، کانون توطئه‌های جهانی
- ۱۶۷.....باشگاه رم
- ۱۶۹.....اهداف گروه‌های پنهان
- ۱۷۷.....استراتژی آتش‌فشان آبوکالیپتیک
- ۱۸۹.....نریستاک، امپراتوری دروغ
- ۱۹۷.....باشگاه‌ها، سازمان‌ها و انجمن‌های وابسته به فراماسونری
- ۱۹۹.....باشگاه جهان روتاری
- ۲۰۵.....باشگاه جهانی لاینز
- ۲۱۵.....فهرست منابع
- ۲۲۱.....فهرست اعلام

مقدمه

تاریخ فرهنگ، قیمة لعنت

با حمد و سپاس نذرند یکتا و توسل و توکل به آستان مقدس حضرت رحمة للعالمین، محمد بن عبدالله ﷺ؛ سنگ بنای این اثر که با عنوان «تاریخ فرهنگی قبیله لعنت» ارائه گردیده است، وقتی گذارده شد که کتاب «تاریخ فرهنگی قبیله رحمت»،^۱ مراحل کتابی خود را طی می کرد. در آن اثر، نگارنده با مراجعه و استناد به منابع روایی و بی ویرد، اعای ندبه، سعی خود را مصروف آن داشت تا نقاط عطف رفته بر سلسله انبیاء و وصیای الهی را برشمارد و همچنین نقاط عطف در حال گذار و پیش روی تاریخ آخرین ایستگاه، یعنی تأسیس دولت کریمه طیبه آخرین حلقه از سلسله وصیای اوصیای الهی را معرفی نماید. ایستگاهی مقدس، وعده داده شده و میا دسه غمه شتون و حیثیت حکومت حق و جهانی مستضعفان را در خود دارد؛ همان کی خداوند کریم در «قرآن مجید» وعده تحقق آن را داده است:

«رُئِدُ أَنْ تَعَنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»^۲

۱. این اثر توسط انتشارات موعود عصر ﷺ منتشر شده است.

۲. سوره قصص، آیه ۵. حضرت امیر المؤمنین علی ﷺ در تفسیر آیه شریفه فرمودند: «این گروه آل محمد ﷺ هستند. خداوند مهدی آنها را بعد از زحمت و فشاری که بر آنان وارد می شود،

و ما اراده کردیم تا آنان را که در زمین به استضعاف کشیده شده بودند، نعمت بخشیده و آنان را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم.»

چنین می‌نماید که به موازات سیر و سفر «قبیله رحمت» در عرصه تاریخ، «قبیله لعنت» دوش به دوش پیش آمده و نقش خود را ایفا نموده است.

عنوان قبیله لعنت، عنوان عامی است که همه معنا و مفهوم «ائمه کفر» را در خود پوشیده دارد و بر همه کافرانی که دیگران را به کفر و شرک، دعوت و رجعات گمراهی و ضلالت فرزندان آدمی را فراهم می‌آورند، اطلاق می‌شود. اینجا که ابلیس ملعون، سرسلسله این قبیله و هادی و حامی آن شناخته می‌شود، از این قبیله و پیروانش، همچون «بنی اسرائیل»، با عنوان «قبیله لعنت» یاد شده است.

در «قرآن کریم» از این قبیله با تعبیر گوناگونی، همچون مستکبران (سوره سبأ، آیات ۳۴)، اما می‌کشد که به آتش دوزخ فرامی‌خوانند (سوره قصص، آیه ۴۱) و رؤسا و بزرگان، ضلالت می‌شوند (سوره احزاب، آیه ۳۳)، یاد شده است؛ همه آنانی که بحوی به ائمه کفر و قبیله لعنت ارتباط پیدا می‌کنند.

«وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَدْعُونَ إِلَى الْفِتْنَةِ»

و آنان را پیشوایانی که به سوی آتش می‌خوانند، گرد آوریم و روز رستاخیز یاری نخواهند شد.

به استناد فرموده‌های «قرآن کریم»، این قبیله و تابعان آن، در قیامت از سوی هیچ شفاعت‌کننده‌ای یاری نخواهند شد: «وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَنْهَوْنَهُمْ»^۱ و از آنجا که در کفر و معاصی، دیگران از آنان پیروی می‌کنند، پیوسته بار گناهانی، مانند بار گناهان پیروانشان بر آنان تحمیل می‌شود و از این رو، با

برمی‌انگیزد و به آنها عزت می‌دهد و دشمنانشان را دلیل و خوار می‌کند». مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، «تفسیر نمونه»، ج ۱۶، ص ۱۸؛ به نقل از «تفسیر نورالثقلین»، ج ۴، ص ۱۱۰.

۱. سوره قصص، آیه ۴۱.

۲. همان.

استمرار کفر و معاصی، لعنتی مستمر دامنگیرشان خواهد شد.

«وَأَتَّبَعْنَاهُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ هُمْ مِنَ الْمَقْبُوحِينَ»^۱
و در این دنیا، لعنتی بدرقه آنان کردیم و روز قیامت [نیز] ایشان از
[جمله] زشت رویانند.

این طایفه، باعث استضعاف و فریب مردم شدند تا آنجا که جملگی آنان را اسیرا حق منحرف ساخته و در دنیا و آخرت، مشمول نگون بختی و نسل ساختند:

«وَقَالُوا الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا بَلْ مَكْرٌ...»^۲
و مستضعفان به مستکبران می گویند: وسوسه های فریبکارانه شما در شب و روز مای گمراهی ما شد، هنگامی که به ما دستور می دادید که به خداوند کافر باشیم و ناپانی برای او قرار دهیم و آنان هنگامی که عذاب (الهی) را می بینند خود پشیمان می کنند (تا بیشتر رسوا نشوند)؛ و ما غل و زنجیرها در گردن کافران می زنیم. آیا جز آنچه عمل می کردند، به آنها جزا داده می شود؟»

در فراز و نشیب تاریخ، مصادیق ائمه ضلالت و گمراهی، هم آنان که رویارو با ائمه دین و قبیله رحمت صف کشیدند، به رغم موقعیت زمانی و مکانی متفاوت، جملگی از روح و روحیه ای ثابت و سراسر جام، عاقبتی ثابت نیز برخوردار خواهند بود.

اولین شخص از میان جمله موجودات انسی و جنی که متوجه به صفت «مستکبر» و در پی آن، شایسته لعنت ابدی خداوند متعال شناخته شد، ابلیس بود؛ چنان که خداوند متعال در «قرآن کریم» درباره او می فرماید:
«وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَاسْتَكْبَرَ وَ

۱. سوره قصص، آیه ۴۲.

۲. سوره سبأ، آیات ۲۳-۲۴؛ ترجمه آیت الله ناصر مکارم شیرازی، سایت تدبیر (بنیاد علوم و معارف اسلامی).

كَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ^۱

و آنگاه که به فرشتگان گفتیم: بر آدم سجده کنید، پس همه سجده کردند؛ جز ابلیس که ابا کرد و استکبار ورزید و از کافران گردید.
در اثر این استکبارورزی، آشکار بود که ابلیس از درگاه خداوند، رجیم و رانده شود و برای همیشه ملعون مطرود گردد:

«قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ وَإِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَى يَوْمِ الدِّينِ^۲؛
پس [خداوند فرمود:] خارج شو از آنجا [از آسمان‌ها و از میان فرشتگان
و از مقام قرب الهی] که تو حتماً رانده شده‌ای و همانا لعنت من تا روز
رستاخیز بر توست»

پس ابلیس به زمین آمد و با او باد فساد در زمین، موجبات گمراهی و ضلالت
مردم را فراهم آوردند. در زمزمه دورافتادگان از رحمت معرفی می‌کند و آنان
را در زمزمه لعنت شدگان بر زمین مارد؛ چنان که فرموده است:
«وَالَّذِينَ يَقْتُضُونَ عَهْدَهُمْ مِنْ آيٍ... وَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ
لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ^۳»

و کسانی که پیمان خدا را پس از بستن آن می‌شکنند و آنچه را خدا به
پیوستن آن [پیمان] فرمان داده، می‌شکنند و در زمین فساد می‌کنند، بر
ایشان لعنت است و برای آنان، فرجام بد است.

در فرهنگ قرآنی، آنان که پس از آگاه شدن از نشانه‌های روشن و
رهنمودهای نجات‌بخش آسمانی، به عمد از حقایق روشن روی برگزیده و
آن را منکر می‌شوند، در زمزمه لعنت شدگان به حساب آمده‌اند.
«إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَ أَلْهَدَىٰ مِنْ بَيِّنَاتِهِ لِلنَّاسِ

۱. سوره بقره، آیه ۳۴.

۲. سوره ص، آیات ۷۷-۷۸.

۳. سوره رعد، آیه ۲۵.

فِي الْكِتَابِ أُولَئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ^۱

کسانی که نشانه‌های روشن و رهنمودی را [با ارسال انبیاء و انزال کتاب] که فرستادیم، بعد از آنکه برای مردم در کتاب توضیح داده‌ایم، نهفته می‌دارند، آنان را خدا لعنت کرده و لعنت‌گندگان [نیز] لعنتشان کنند.»

در واقع، این جماعت پس از آگاهی از حقایق و اتمام حجت توسط انبیای الهی و حجج آسمانی و بعد از مشاهده دلیل‌ها و حجت‌های کتب آسمانی، به قصد عناد و مقابله با اراده حضرت خداوندی قد کشیدند و مبدع فساد و تباهی در میان مردم و گستره زمین شدند؛ از این‌رو، استحقاق لعنت یافته و به سببش از رحمت الهی دور افتادند.

خداوند تعالی، سه گروه عمده «کفار»، «مشرکان»، «منافقان و آزاردهندگان به خدا و رسولان»^۲ را در کتاب ملعونان برمی‌شمارد. در این میان، دسته‌های مختلفی از مردم قرار گرفته‌اند که شناسایی آنان، مجال تجربه و شناسایی سایر مصادیق ملعونان منتشر در میان قاریان و اعصار را فراهم می‌آورد.

ابلیس، فرعون، «یهود»، «بنی اسرائیل»، «صحاب سبت»،^۳ «پیمان‌شکنان»،

۱. سوره بقره، آیه ۱۵۹.

۲. نزدیک ساحل «بحر احمر»، در بندر «أیله»، عده‌ای از بنی اسرائیل در زمان حیات حضرت داوود علیه السلام زندگی می‌کردند («تفسیر کشاف»، ج ۱، ص ۱۸۰) که می‌بایست مسلک پدران و نیاکان خود را تعقیب کرده و روز شنبه را به عبادت پروردگار خویش می‌پرداختند و طبق آئینشان، شکار در روز شنبه را حرام می‌دانستند. علت حرمت شکار، روز شنبه برای یهود، این بود که حق تعالی به وسیله حضرت موسی علیه السلام از قوم یهود خواسته بود تا روز جمعه را بزرگ شمرند و در این روز، کارهای مادی و دنیوی را ترک گویند و به امور معنوی و نیروی بزرگان، یهودیان از این امر الهی سربرناخته، جمعه را برای کسب و کار و شنبه را برای تعطیلی برگزیدند. آنان شنبه را عظیم‌ترین روزها می‌دانستند. از این‌روی، قهر و کیفر الهی شامل حالشان شد و شکار در روز شنبه برایشان حرام گردید. («بحار الانوار»، محمداقصر مجلسی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ه.ق، ج ۱۴، ص ۴۹).

کالای استراتژیک این شهر، ماهی بود و بیشتر اهالی آن، از راه صید ماهی امرار معاش می‌کردند. از آنجا که خداوند می‌خواست این قوم را در معرض امتحان قرار دهد، زمینه آزمایش را این‌گونه برایشان رقم زد: ماهیان دریا که شنبه را روز امن و امان یافته بودند، به خواست و مشیت خداوند به کناره دریا می‌آمدند و چنان روی آب را پر می‌کردند که با تلاش اندک و در زمانی کوتاه، صیادها می‌توانستند تعداد زیادی ماهی بگیرند؛ اما روزهای دیگر برای ماهیان ناامن بود و از

«شجره ملعونه»، «منافقان» و «جهنمی‌ها»، مفسدان در زمین و برخی دیگر

کناره دریا فاصله می‌گرفتند و به اعماق آب می‌رفتند؛ به گونه‌ای که صید آنها به سختی صورت می‌گرفت: «إِذْ تَأْتِيهِمْ حِثَانُهُمْ يَوْمَ سَبَقِهِمْ شُرَعًا وَ يَوْمَ لَا يَسْتَوُونَ لَا لَنَا نَهْمٌ كَذَلِكَ يَلْهَوْهُمْ يَمَّا كَانُوا يَفْسُقُونَ: آنگاه که به احکام روز شنبه تجاوز می‌کردند، او روز شنبه آنان، ماهی‌هایشان روی آب می‌آمدند و روزهای غیر شنبه، به سوی آنان نمی‌آمدند. این گونه ما آنان را به سبب آنکه نافرمانی می‌کردند، می‌آزمودیم.» (سوره اعراف، آیه ۱۶۳).

نگیزه‌های طمع به حرکت آمد و اسباب حرص در روح گنه‌کاران این سرزمین تحریک شد و از دستورات پیامبران خود غافل ماندند، مطلبی را که شنیده بودند، به دست فراموشی سپردند، به مشورت و تبادل نظر پرداختند و گفتند: چرا روزی را که ماهی‌ها روی آب فراوانند و خود به سوی می‌شتابند، رها کنیم و در روز دیگر که از ما می‌گریزند به صید بپردازیم؟ از این رو، برای حلال کردن آنچه روزی برای آنان حرام فرموده بود، به حيله و فریب متمسک شدند و در کنار دریا، حوضچه‌ها و استخرهایی را ساختند تا بتوانند از راه جوی و کانال‌های متعددی که به دریا راه پیدا کرده‌اند، ماهی‌ها را جمع کنند. ساکنان شهر، به تدریج به سه طایفه تقسیم شدند:

۱. بیشتر اهالی شهر، به بدعت‌گذاران فریب‌کار پیوستند و با ایشان همکار و هم‌نوا شدند؛
۲. اندکی از خداپسندان، ایمان و اعماق قلبشان رسوخ کرده بود؛
۳. کسانی که بدون هیچ و بی‌طرف بودند.

دسته اول که روز به روز به شمارشان افزوده می‌شد، در برابر ناهیان از منکر، ایستادند و مگر خود را ابتکاری بزرگ و کاری زیبا قلمداد کردند و «در توجیه نافرمانی خویش گفتند: ما امر خدا را اطاعت کرده‌ایم و در روز شنبه شکار نمی‌کنیم، شکار می‌کنیم.» (تفسیر البرهان، ج ۲، ص ۴۲) این گونه بود که گروه مؤمن‌پند و اندر نشینان، در نبرد و تصمیم به هجرت گرفتند تا گرفتار عذاب الهی نشوند. در شب هجرت مؤمنان، عذاب الهی بر ناپاکان نازل گردید: «فَلَمَّا كَسَبُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعِقَابٍ غَاشٍ يَمَسُّهُمْ فِي يَوْمٍ فَاجٍ فِي مَقَامٍ وَاسِعٍ: آنچه را بدان تذکر داده شده بودند، از یاد بردند. کسی که از اکارا بد بازمی‌داشتند، نجات دادیم و کسانی را که ستم کردند، به سزای آنکه فرمان می‌کردیم، به عذابی شدید گرفتار کردیم.» «فَلَمَّا عَتَوْا عَنْ مَا نُهُوا عَنْهُ قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ: و چون از آنچه از آن نهی شده بودند، سرپیچی کردند، به آنان گفتیم: بوزیگانی رانده شده با ستم، در پی این فرمان، همه باقی‌ماندگان در شهر، به میمون‌هایی ریز و درشت تبدیل شدند.» (بقره الانبار، ص ۵۶، روایت ۱۳) و دروازه شهرشان بسته شد و کسی از ایشان توان بیرون رفتن نداشت. با شنیدن این خبر، مردم شهرهای دیگر به آنجا آمدند و از بالای دیوار شهر، مردان و زنان فریبکار را، به صورت میمون شده بودند، تماشا می‌کردند.

واعظان مهاجر شهر تصمیم به بازگشت گرفتند. آنها نزد میمون‌هایی که به خویشان و دوستانشان شباهت داشتند، رفته و سؤال کردند: تو فلانی هستی؟ و آنگاه میمونی که مورد سؤال قرار گرفته بود، در حالی که آب از دیده‌اش جاری می‌شد، با اشاره سر تأیید می‌نمود. حق تعالی پس از سه روز، باد و باران بنیان‌کن، نازل فرمود تا جایی که همگی به هلاکت رسیدند و هیچ مسخ‌شده‌ای در آن شهر باقی نماند. (اصحاب سبت)، عاشوری، زهرا، نامه جامعه، مرداد ۱۳۸۵ ه. ش. شماره ۳۲، ص ۴۸؛ با تلخیص).

۱. خداوند سبحان در عالم رؤیا به پیامبرش ﷺ شجره ملعونه، (قومی ملعون و آزار رساننده به

از مردم، در زمره لعنت‌شدگان به حساب آمده‌اند و آیات متعددی درباره آنان نازل شده است.

«أُولَئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَ يَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ»^۱

آنان را خداوند لعنت کرده است و لعنت‌کنندگان نیز آنان را لعنت می‌کنند.

گویا در طول تاریخ و از ابتدای خلقت آدم ابوالبشر علیه السلام دو جریان اصلی «قبیله رحمت» و «قبیله لعنت» در گستره هستی جاری بوده است و تا به وقت تاسیس دولت کریمه مهدوی تداوم خواهد یافت؛ جز اینها، مابقی طوایف با التقاط و امتزاج آموزه‌ها و سیره و سنت اهالی این دو قبیله، بر زمین مشی کرده‌اند. مصادیق متعددی از فرهنگ‌ها و تمدن‌های سابق و لاحق وجود دارد که هر یک، جوهری از رویکردها، دریافت‌ها، سنت‌ها و آداب رحمانی یا شیطانی این دو طایفه را به نمایش گذارده‌اند.

متأسفانه، وسعت و وسعت‌های «سنت» و امتزاج این حوزه‌های فرهنگی و تمدنی، مجال شناسایی میزان آه‌خنده هر یک از سطوح فرهنگی و مادی اقوام و مناسبات و معاملات آنها، با این دو ریشه دار رحمانی و شیطانی را تنگ کرده است. از این‌رو، تشخیص جامع موقیّت‌ها و نسبت‌های عملی و نظری ساکنان زمین با مظاهر تامّ رحمت یا لعنت، رای عموم مردم، سخت می‌نماید و لاجرم، عموم ساکنان شرق و غرب، بر سر پندار و گمان، سفر پرخطر خود را در عرصه تاریخ ادامه می‌دهند.

تردیدی نیست که در غربالگری بزرگ وقایع و حوادث، بی‌سرو و پس

پیامبر و اهل بیتش علیهم السلام و پاره‌ای از کردارشان را نشان داد و آنگاه برای ایشان بیان فرمود که آن یک فتنه است. «وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي مَعْرَانٍ؛ وَاَنْ رَّوْيَايَ كَيْفَ بِه تَوْشِيَانِ دَادِيم وَ درخت لعنت شده در قرآن را جز برای آزمایش مردم قرار ندادیم.» به استناد بسیاری از روایاتی که از طریق اهل سنت رسیده و همچنین تمامی احادیث ائمه اهل بیت علیهم السلام مراد از رؤیا در آیه، خوابی است که پیامبر صلی الله علیه و آله درباره بنی امیه دید و شجره ملعونه، همین ریشه و دودمان است. (طباطبایی، محمدحسین، «تفسیر المیزان»، تهران، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ج ۱۳، صص ۱۳۸-۱۴۰، در توضیح آیات سورة اعراف، آیات ۱۶۲ و ۱۶۶؛ سورة اسراء، آیه ۶۰-۱. سورة بقره، آیه ۱۵۹).

از آن در وقت ظهور کبرای امام مبین علیه السلام، صفتبندی دقیقی میان ساکنان زمین حادث و هر گروه به جامعه‌ای که بدان متعلق است، خواهد پیوست تا آنکه دولت کریمه موعود، پیراسته از هرگونه آموزه‌ها، بدعت‌ها و کژی‌ها برکشیده شود.

از امام صادق علیه السلام درباره اقدامات امام مهدی علیه السلام، سؤال شد، ایشان فرمودند:

«يُصْنَعُ مَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَهْدِمُ مَا كَانَ قَبْلَهُ كَمَا هَدَمَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَمْرَ الْجَاهِلِيَّةِ وَيُسْتَأْنَفُ الْإِسْلَامُ جَدِيداً»^۱

امام، همان کاری را که رسول خدا صلی الله علیه و آله انجام داد، انجام می‌دهد. بدعت‌های موجود را خراب می‌کند؛ چنان‌که رسول خدا صلی الله علیه و آله اساس جاهلیت را منهدم نمود. انگار اسلام را از نو بنا می‌کند.

اثر حاضر به متکی و مبتنی بر دریافت و رویکرد ادیان توحیدی به عالم و آدم و تاریخ گذشته، داده، آن است تا اعلام کند:

اولاً: خلقت هستیم بر بنیاد علم و حکمت خالق متعال استوار بوده و انسان، به عنوان اشرف مخلوقات، در این مقصد و مقصدی متعالی خلق شده است؛ ثانیاً: اولین انسان، حضرت آدم علیه السلام (نعوذ بالله) جاهل و آکنده از خرافه و بی‌خبری خلق نشده است؛ بلکه با علم و اختیار کافی و به عنوان حجت خدا، سفر خود را در عرصه تاریخ آغاز نموده است؛

ثالثاً: آنچه درباره فرزندان و نوادگان نسل مدرن و اولین انسان درگستره فرهنگ‌ها و تمدن‌ها حادث و موجب انحراف آن‌ها در عرصه اخلاقی و تقییم حضرت حق (آکنده از علم و حکمت و پیراسته از جهل و خرافه) شده، حاصل عمل شیطان و کین‌ورزی او درباره انسان و موقعیت و مقام او بوده است.

رابعاً: تفسیر و تحلیل‌های ارائه شده توسط مورخان درباره فرهنگ‌ها و تمدن‌های باستانی، حاصل بی‌اطلاعی و غفلت آنان از وجود نیروهای ماورائی شیاطین جنی و علوم غریبه است که عموم فرهنگ‌ها و تمدن‌ها

درباره آنها آگاهی داشته و بدان‌ها مبتلا بوده‌اند.

همین موجودات متمرّد و کین‌جو و اشتغال‌اقوام به علوم و فنون مرتبط با آنها، موجب جدا و دور ماندن این فرهنگ‌ها و تمدن‌ها از قبیله رحمت (سلسله انبیاء و اوصیای الهی) شده و آنان را در زمره قبیله لعنت‌شدگان وارد آورده است؛

خامساً: سرانجام آنکه، زنجیره بلند قبیله لعنت از وقت جعل و ابداع آن تا خط ابلیس ملعون تا به عصر حاضر، ادامه یافته و شکل‌گیری مجموعه «مجامع مخفی و سرّی» (اعم از فراماسونری، ایلومیناتی و ...) را سبب شده است.

این مجامع، به روش‌های آموزشی، تجربه‌ها و انگیزه‌های اجداد خوددند و برآنند تا با تأسی به آیین زارود و ملعون (ابلیس و پیروانش در میان شیاطین)، در نبردی همیشگی با پادگان قبیله رحمت و به ویژه حضرت خاتم الاوصیا، مهدی موعود، روی و ابواب العالمین لثراب مقدمه الفداء، بساط زمین را آکنده از سیاهی و تباهی ساخت و بر بنیاد آن، حکومت خودکامه جهانی را برپا دارند.

آنچه که این رساله عهده‌دار آن می‌باشد عبارت است از:

۱. بیان مبادی، مبانی و منابع اندیشه و عمل قبیله لعنت؛
۲. تبیین هستی‌شناسی و جهان‌شناسی معلمان و مبلغان ره بکرد قبیله لعنت به هستی؛
۳. مبدا، مقصد غایی و مسیر طی طریق این قبیله از روز نخست تا فرجام کار؛
۴. نقاط عطف رفته، در حال‌گذار و آینده فراروی این قبیله تا ورود به وقت معلوم و عده داده شده:

«فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ»^۱

۱. سوره حجر، آیات ۲۷ و ۲۸. ابلیس از خداوند درخواست کرده است که حیاتش طولانی شود و

همانا تو از مهلت یافتگانی تا روز وقت معلوم.»

۵. بیان سیر تحوّل تاریخی مجامع مخفی و صورت‌های سیاسی و اجتماعی

آن مجامع در غرب؛

۶. معرفی شناخته‌شده‌ترین مجامع مخفی و صاحب قدرت مؤثر در جهان

امروز.

نگارنده همه سعی خود را مصروف آن داشته تا عموم اطلاعات و

جدل‌ها، متکی به منابع و مستندات قابل تکیه و اطمینان باشد.

این اثر را به تمامی، تقدیم برگزیده‌ترین شخص شخیص از قبیله رحمت،

حضرت محمد بن عبدالله ﷺ، می‌کنم؛ همو که خداوند کریم درباره‌اش فرمود:

«وَأَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ»^۱

و تو را بجز رحمت برای جهانیان نفرستادیم.»

وَالسَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

اسماعیل شفیعی سروسستانی

زمستان ۱۳۹۳

تا قیامت ادامه یابد. خداوند، درخواست حیات طولانی وی را اجابت کرد؛ اما تداوم آن را تا قیامت با آوردن «إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ» رد کرد. بنابراین حیات ابلیس، قبل از قیامت و در وقت ظهور امام زمان عجلایه پایان می‌پذیرد.

۱. سورة انبیاء، آیه ۱۰۷.